

# مالیات و...

## حرفه حسابداری مستقل

نوشته: نصرالله مختار

\*\*\*\*\*

تعیین شده است. اصل سوم که شاید در مکانیسم تشخیص و وصول مالیاتها بیش از هر چیز موثر بوده آن است که مالیات آن چنان وضع گردد که وصول و ایصال آن به قیمت تمام شده معقولی میسر باشد و باصطلاح اخذ مالیات توأم با کارآئی کافی باشد. در طی قرن حاضر، اصل دیگری نیز به این اصول اضافه شده است که مبین این است که از آنجا که دولت به هر حال اقدام به وصول مالیات می نماید، لذا با رعایت اصول فوق طوری به این امر مبادرت ورزد که در نتیجه عملکرد آن، اشخاص زندگی اقتصادی خود را به نحوی که از نظر اجتماعی مطلوب است، برنامه ریزی کنند. به عبارت دیگر سعی می شود که از مالیاتها به عنوان ابزار سیاستهای اقتصادی استفاده شود. البته اصول دیگری نیز در این رابطه از لحاظ سیاسی و اجتماعی مطرح است، لیکن چون قصد ما در این نوشته مختصر، بحث در اطراف نقش حرفه حسابداری مستقل در زمینه مالیات است، کاری به جنبه های سیاسی اجتماعی آن نداریم و فقط اصول فوق الذکر را مطرح می سازیم.

### قدرت پرداخت و مالیات

فرض کنید شخصی دارای همر، چهار

از نیمه اول قرن نوزدهم، که شالوده مالیات بر درآمد بصورتی که امروزه در سرتاسر جهان مرسوم است ریخته شد، اصول چند گانه ای در زمینه وضع و اخذ مالیاتها مورد توجه قرار گرفته است. نخست آنکه مالیات بایستی بر حسب قدرت پرداخت افراد اخذ شود، و بیشتر هم بر همین اساس بوده است که ماخذ درآمد از ماخذهای دیگری مانند ثروت و یا مصرف بکار رفته است. البته در دوران قدیم نیز که مالیات بصورت خراج بوده، قدرت پرداخت افراد طبعاً در نظر گرفته می شده است، منتها بدین صورت که کل مبلغ مورد نیاز به گونه ای بین ایالات و ولایات تسهیم گردیده و سپس عمال حاکم به هر نحو که بود، و چنانچه اکثراً اتفاق می افتاد، حتی با خشونت و زور، بطور سرانه از هر کس در حد تعیین شده اخذ می نمودند. لیکن در دوران اخیر، عدالت مالیاتی نیز بصورت یک اصل مطرح شده است، بدین معنی که فرد نه تنها بایستی قدرت پرداخت داشته باشد تا در زمره مودیان مالیاتی درآید، بلکه بایستی احساس کند که مبلغ مورد مطالبه از او، در رابطه با سایر افراد جامعه و به تناسب قدرت پرداخت آنها، به نحوی عادلانه

فرزند و یک خانه استیجاری است. علاوه بر این فرض کنید، که پدر و مادر سالمند وی نیز تحت تکفل او می باشد و یکی از فرزنداناش که دانشجوی سالهای آخر دانشگاه است به ناچار در شهر دیگر زندگی می کند و بنابراین هزینه های شخصی علاوه بر معمول به این خانواده تحمیل می شود. با چنین بار سنگینی که از لحاظ هزینه های مستمر به عهده شخص فرضی ما افتاده است، بیچاره علاوه بر شغل رسمی اداری خود، به ناچار شغل نیمه وقت دیگری نیز عصرها تا پاسی از شب تقبل نموده است و تازه هر چند ماه یک بار، بخصوص در موارد اضطراری، مجبور به اخذ وام و وجه دستی و احیانا "فروش بعضی از مایملک خود می شود. حال این سؤال مطرح می شود که صرف نظر از خدماتی که به عنوان شهروند در اختیار این شخص و افراد خانواده او گذارده می شود، آیا صحیح است که جامعه یا دولت مالیاتی از او مطالبه کند؟ آیا وی قادر خواهد بود که بدون درهم ریختن زندگی خود از عهده پرداخت چنین مالیاتی برآید؟ پاسخ منفی که بدون شک به هر دو این سئوالات داده می شود، نشان دهنده اهمیتی است که عامل قدرت پرداخت در طراحی و وصول مالیاتها دارد.

البته قدرت پرداخت فقط به توانایی کلی مودی مالیاتی محدود نمی شود و جنبه دیگر آن زمان بندی اخذ مالیات است. مثلاً در مقابل شخص فوق الذکر که درآمد خود را ماهانه دریافت می کند، باغداری را مجسم کنید که محصول خود را یکباره در طی تبر ماه هر سال به فروش می رساند و در سایر ماههای سال هیچگونه درآمدی نداشته بلکه در ماههای آذر و فروردین هر سال هزینه های بسیار عمده ای را نیز بدوش می کشد. آیا

می توان گفت که موعد مطالبه و وصول مالیات متعلقه از این دو شخص (حال به هر مبلغ که باشد) ممکن است همزمان باشد؟ حال فرض کنید که باغدار مذکور محصول سالیانه خود را همانطوری که بعضاً "مرسوم است، بطور سلف به فروش رسانده و در پایان ماه فروردین کل درآمد خود را دریافت می دارد. آیا قدرت پرداخت وی از لحاظ مالیاتی تغییر نمی کند؟

موارد فوق فقط نمونه هایی از حالات ع دیده ای است که در زمینه قدرت پرداخت مالیات، باید قانون گذار در نظر گیرد، و هر چه موارد و شرائط بیشتری - اعم از عادی یا استثنائی - در متن قانون و یا مقررات مربوطه ملحوظ گردد، عامه مردم، یعنی همان کسانی که مقررات بخاطر آنها وضع می گردد، در فهم و درک آنها و تشخیص حقوق مسلم خود، بیشتر و بیشتر با مشکل روبرو خواهند بود. در بسیاری موارد قدرت پرداخت به سود ویژه که پس از وضع یک سلسله هزینه ها نسبت به درآمدهای سال و با در نظر گرفتن معافیت هایی بدست می آید مربوط می شود. لیکن از آنجا که ماهیت درآمدهای سال با توجه به معافیت های قانونی باید مشخص گردیده و ضمناً "فقط هزینه های قابل قبول از آن کسر گردد، مقررات مالیاتی بالا جبار پیچیده تر و پیچیده تر می شود، بطوریکه همه کس را یارای فهم آنها نخواهد بود. تازه بحث عدالت مالیاتی مطلب را پیچیده تر می کند.

### عدالت مالیاتی

گاه گفته می شود که در امر مالیات عدالت همان ظلم بالسویه است. دو شخص مالیات دهنده را مجسم کنید که دارای درآمد یکسان

ولی هزینه‌های متفاوتی می‌باشند. چنانچه مازاد درآمد داشته باشند، هر دو قدرت پرداخت مالیات خواهند داشت، ولی آیا عادلانه است که هر دو به یک میزان مالیات پرداخت کنند؟ پاسخ تا حدی مربوط به ماهیت هزینه‌ها می‌شود، چرا که ممکن است مازاد هزینه به علت عدم تناسب شرائط زندگی اشخاص فرض شده باشد، و یا آنکه صرفاً مربوط بشود به یک سلسله ارقام غیر ضروری و تجملی. مع هذا دخالت در زندگی خصوصی افراد برای بازشناسی ماهیت چنین هزینه‌ها بعضاً "صحیح نخواهد بود و لذا اگرچه در مورد اشخاص حقوقی (و یا صاحبان مشاغل عمده) میادرت به تشخیص ماهیت هزینه‌ها و رد یا قبول آنها طبق یک جدول از پیش تعیین شده‌ای می‌شود، لیکن در مورد اشخاص حقیقی عادی حل قضیه با اشکال روبرو خواهد بود و باید ملاک عمل عمدتاً "ارقام مربوط به درآمد ناخالص بوده، بعضاً" هزینه‌هایی را برای رسیدن به درآمد مشمول مالیات قابل کسر قرار دهند، و یا آنکه از خدمات حسابداران حرفه‌ای برای تفکیک هزینه‌ها و تطبیق آنها با جدول هزینه‌های قابل قبول استفاده نمایند.

در مورد اشخاص حقوقی صاحبان مشاغل عمده که طبق مقررات قانون مکلف به نگاهداری دفاتر قانونی می‌باشند، لازمه رعایت عدالت مالیاتی در تعیین سود ویژه و تشخیص درآمد مشمول مالیات آن است که دفاتر و مدارک و حساب‌هایی که نگاهداری می‌کنند هر چه دقیق‌تر و گویاتر بوده، ضمناً ماهیت انواع درآمدهای مشمول و هزینه‌های قابل قبول هرچه روشن‌تر و با تفصیل بیشتر در مقررات قانون روشن شود. فهم و درک این عوامل و کاربرد هوشیارانه آنها البته

برای بعضی از اشخاص حقوقی و صاحبان مشاغل به لحاظ در اختیار داشتن پرسنل وارد و کارآموده نسبتاً "میسر خواهد بود، لیکن در مورد عده بسیاری دیگر از آنها، از قبیل شرکت‌های کوچک و اکثر صاحبان مشاغل متوسط و کوچک، لازمه استفاده از تسهیلات مندرج در مقررات قانونی و احتراز از مجازات‌هایی که برای موارد خطا در نظر گرفته می‌شود، دسترسی به اشخاصی وارد به این مسائل است، که چنانچه وجود نداشته باشند، خود بخود به این عده از مودیان مالیاتی ظلم شده است.

یکی از نکات ظریف در بحث عدالت مالیاتی، ظلمی است که دستگاه مالیاتی ممکن است به لحاظ عدم کارآئی خود در شناخت کامل منابع مالیاتی و پیگیری کسانی که از پرداخت مالیات فرار می‌کنند مرتکب شود، چرا که در قبال هر مقدار مالیات عادلانه و حقه‌ای نه به خزانه دولت واریز نمی‌شود، در حق آنها تکیه به وظیفه قانونی خود عمل نموده‌اند به نوعی ظلم شده است.

به همین جهت یکی از روش‌های منطقی دستگاه مالیات گیران است که مالیات پردازهای مرتب و خوش حساب را مورد لطف و تشویق قرار داده، و به عنوان یک وظیفه عمده لبه تیز تدابیر و تمهیدات ماهرانه و موثر خود را متوجه منابع ناشناخته بکند. دسترسی به عدالت مالیاتی در یک استاندارد قابل قبول از این لحاظ، در صورتی که دستگاه مالیات گیر اراده کرده و بطور کلی کارآمد باشد، چیز غیرممکنی نیست. تجارب بسیار عمده دستگاه‌های مالیات گیر در سطح جهانی و دست‌اندرکاران امور مالی، راه‌های عملی و آزمایش‌شده‌ای در این زمینه‌ها ارائه می‌دهد که با کاربرد آنها حجم کل مآخذهای مالیاتی،

در نهایت صحت عمل دستگاه، افزایش یافته و باعث می‌گردد که دولت برای همان مقدار مالیات که طبق بودجه باید به حیطه وصول درآید، نرخهای کمتری را بکار ببرد.

استفاده از مالیات در برنامه‌ریزی اقتصادی

استفاده از مالیات‌ها به عنوان ابزار سیاستهای اقتصادی از مسائلی است که بیشتر در قرن حاضر مورد توجه قرار گرفته است. اگر در زمینه خصوصی مقررات مجازات‌کننده و یا تشویقی وضع گردد ملاحظه می‌شود که جامعه مالیات‌پرداز، بخاطر نفعی که در قضیه دارد، در مورد اول احتمالا "از شرايطی که باعث ایجاد آن زمینه شود احتراز می‌کنند و در حالت دوم تلاش می‌کنند که خود را مشمول آن شرائط قرار دهند. بنابراین دولت سعی می‌نماید از طریق اعطاء معافیت‌های گوناگون، تحت شرايطی که معین می‌کند، جامعه اقتصادی را تشویق نماید که امور خود را طبق برنامه‌ها و خواستهای دولت و جامعه ترتیب دهد، و برعکس در موارد دیگری با برقراری مقررات تنبیهی و یا حذف معافیت‌های قبلی، جامعه اقتصادی را از اعمال یا روشهای خصوصی باز می‌دارد. طبیعی است که برای بهتر برآورده شدن اهداف قانونگذار در چنین مواردی، علاوه بر آنکه نهایت تبلیغات در موقع تصویب مقررات به منظور آگاهی اشخاص و دستگاههای مربوطه به عمل می‌آید، بسیار مفید است که جامعه مالی شرائط و جنبه‌های مختلف این گونه مقررات تشویقی یا تنبیهی را بخوبی تجزیه و تحلیل کرده و جزو فرهنگ حرفه‌ای خود درآورد! در بسیاری حالات صاحبان مشاغل و شرکتها اگرچه در رابطه با این مقررات بطور کلی اطلاعات لازم را دارند، لیکن

در جزئیات و بخصوص از لحاظ جنبه‌های عملی نمی‌توان از آنها انتظار داشت که دانش کافی داشته باشند و بنابراین چنانچه مکانیسمی برای شناخت و انتقال این اطلاعات توسط مشاوران مورد اعتماد وجود نداشته باشد، عملا "دولت در اهداف خود با عدم موفقیت روبرو خواهد گردید.

مسئله معافیت‌های مالیاتی و مقررات تنبیهی، و بطور کلی کم و زیاد کردن معافیت‌ها و مجازات‌ها، از لحاظ اعمال هرچه بیشتر عدالت مالیاتی و در نظر گرفتن قدرت پرداخته‌توان نیز حائز اهمیت بسیار است. اتفاقا یکی از نقاط ضعف عمده قانون مالیاتها در کشور ما همین مورد است، چرا که با وجود معافیت‌های متعددی که از لحاظ بعضی جنبه‌های اقتصادی برای شرکتها در نظر گرفته شده است، برای اشخاص حقیقی و با توجه به شرائط زندگی آنها معافیت‌ها یا مجازات‌های بسیار کمی مقرر گردیده است. برای مثال شخص فرض شده تحت بحث قدرت پرداخت که در فوق عنوان گردید، از لحاظ معافیت‌های مالیاتی عینا "با یک جوان مجرد فارغ‌بال که درآمد مشابهی داشته و یا حتی پردرآمدتر باشد همسان و هم‌ردیف است، که این ضعف قانون را به خوبی نشان می‌دهد.

یکی دیگر از روشهای مورد استفاده در زمینه استفاده از مالیات به عنوان ابزار سیاستهای اقتصادی، تعیین و تغییر تعرفه‌ها و نرخهای مالیاتی است. مثلاً "ممکن است از لحاظ کنترل روندهای تورمی، نرخهای مالیاتی را در کوتاه مدت بالا برده و با آنکه برای دوره‌های مشخصی مالیاتهای اضافی وضع نمایند، و یا برعکس ممکن است نرخهای قبلی را که در شرائط مورد پیش‌بینی زیاد به نظر می‌رسند تعدیل نمایند. اتفاقاً در

بسیاری از کشورها نرخهای مالیاتی عملاً "هر سال مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرند و بدین‌وسیله ضمن آنکه درآمد عمومی دولت از محل مالیاتها، برحسب هزینه‌های مصوب و همچنین روند مآخذهای مالیاتی کم و زیاد می‌شود، ضمناً" سایر نیازهای اقتصادی نیز برآورده می‌شود. این‌گونه تغییرات سالیانه اگرچه بیشتر بخاطر هدف اقتصادی انجام می‌گیرند، معهذا از لحاظ عملی نیز تاثیر به‌سزائی در روحیه مودیان مالیاتی و دست اندرکاران امور مالی شرکتها و سازمانها دارد و آنها را هرچه بیشتر متوجه جنبه‌های قانونی مالیاتها و اثرات مالی آنها می‌سازد، و این در بلندمدت به نفع دولت و جامعه می‌باشد.

معهذا کاربرد صحیح این روشها، مستلزم دسترسی دستگاه مالیات‌گیر به اطلاعات وسیع و قابل اعتمادی از لحاظ سطح مآخذهای مالیاتی و چگونگی عکس‌العمل مودیان مالیاتی در موارد مشابه قبلی می‌باشد. این اطلاعات بطور کلی باید از ناحیه مودیان مالیاتی منشاء گیرد و باز ملاحظه می‌شود که همکاری مودیان مالیاتی و مشاوران مورداعتمادشان با دستگاه مالیات‌گیر حائز اهمیت است.

### کارآئی مالیات

یکی دیگر از اصولی که در وضع هرگونه مالیات باید مورد توجه قرار گیرد، کارآئی تشخیص و وصول آن است. این موضوع از دو جهت حائز اهمیت است، نخست آنکه مراحل تشخیص و وصول مالیات از لحاظ مدیریت اداری و آثار اجتماعی آن، امری آسان و یا لااقل توأم با حداقل اشکال باشد، دوم آنکه هزینه‌هایی که برای انجام شایسته مراحل تشخیص و وصول مالیات ضروری خواهد بود نسبت به عائدی آن معقول باشد. اینکه

چه میزان هزینه معقول خواهد بود خود سؤال جالبی است و بسیاری از کشورهای پیشرفته آماری منتشر می‌کنند که نشان‌دهنده درصد هزینه نسبت به مالیاتهای وصولی است. در کشور ما متأسفانه چنین آماری منتشر نمی‌شود و اساساً "در غیاب روشهای پیشرفته حسابداری مدیریت که برای دستیابی به این‌گونه اطلاعات لازم است، به‌سختی می‌توان تصور نمود که چنین ارزیابی حتی برای مصرف اختصاصی دولتمردان و خود دستگاه دولت نیز صورت بپذیرد. معهذا اصل قضیه از بین نمی‌رود، و باید اذعان کرد که صحیح نیست که در زمینه تشخیص و وصول هرگونه مالیات بیش از درصد بسیار کمی از آن (مثلاً "در حد یکی دو درصد) به مصرف مستقیم آن برسد، بلکه باید تمهیداتی در نظر گرفته شود که کارآئی مالیات به حداکثر ممکن رسانده شود. اتفاقاً" در زمینه وصول مالیات در این خصوص به تبعیت از کشورهای خارجی پیشرفتهائی به‌عمل آمده است و امروزه بخش عمده‌ای از مالیاتها در در منبع کسر گذارده می‌شود (مانند مالیات حقوق) و طبق روشهای معین شده، قسمت عمده مالیاتها اعم از مالیاتهای مکسوره، از قبیل مالیات حقوق، اجاره، مقاطعه‌کاری و غیره و یا مالیاتهای متعلقه که بطور ادواری محاسبه می‌گردد، مستقیماً" توسط مودیان مالیاتی یا متعهدین مربوطه به حسابهای بانکی خزانه‌داری واریزی گردد و بدین ترتیب در هزینه‌گزارائی که وصول فیزیکی وجوه مالیاتی در برمی داشت صرفه‌جویی می‌شود. لیکن در زمینه تشخیص مالیات آنچنان پیشرفتهائی حاصل نشده است و اگرچه اصل قانون مالیاتهای مستقیم در این زمینه پیش‌بینی‌هایی به‌عمل آورده، معهذا در عمل دستگاه دولت هنوز

به روشهای نسبتاً ابتدائی عمل می‌کند و حتی بسیاری از ابزارهای موجود را که ممکن است در افزایش کارآئی مالیات (از لحاظ مراحل تشخیص آن) بسیار موثر باشند مورد استفاده قرار نمی‌دهد.

به عنوان مثال یکی از تمهیدات عمده‌ای که از این لحاظ بکار گرفته می‌شود مشارکت دادن خودمودی مالیاتی در امر تشخیص مالیات است، بدین ترتیب که از وی خواسته می‌شود که با تکمیل اظهارنامه‌ای اطلاعات اولیه را استخراج و طبقه‌بندی کرده و ضمن تعیین درآمد مشمول مالیات، مالیات متعلقه را طبق اطلاعات، تعرفه‌ها و فرمولهائی که طی قانون مالیاتها و یا نشریات دستگاه مالیاتی در اختیار وی قرار داده می‌شود احتساب نماید. البته ممکن است بعضی از مودیان مالیاتی در این راه همکاریهای لازم را نمایند ولی دستگاه مالیات‌گیر با تمسک به تشخیص علی‌الراس (که قاعدتاً باید مجازات‌کننده باشد نه راحت‌کننده!)، چنین مودیان خاطی را وادار به همکاری و کمک بیشتر در آینده می‌کند. بدیهی است برای کاربرد صحیح این روشها، لازم است که مودیان مالیاتی از تسهیلات فنی لازم و کافی بهره‌مند باشند و همانطوری که گفته شد اطلاعات، تعرفه‌ها و فرموله‌ای مالیاتی به نحوی روشن و قابل استفاده در اختیار آنها قرار داده شود. به علاوه عدالت مالیاتی ایجاب می‌نماید که همه مودیان مالیاتی بتوانند بطور متساوی از این اطلاعات بهره‌مند شوند و بین عالم و عامی و خاص و عام فرقی از این لحاظ نباشد. معذراً واقعیت امر آن است که اطلاعات مالیاتی تخصصی است و فهم و درک صحیح آنها نیاز به دانش خاص و به هر حال صرف وقت و پیگیری دارد که

ممکن است در توانائی هرکس نباشد. وجود یک حرفه حسابداری مستقل خودکفا، قوی، و کارآمد در سطح جامعه از این لحاظ مهم است. چرا که در آن صورت همگان می‌توانند با مراجعه به آن بطور آزادانه از اطلاعات صحیح و کافی مالیاتی برخوردار شوند و خواسته قانونگذار را از لحاظ "خودتشخیصی" درآمد مشمول مالیات و احتساب مالیات متعلقه برآورده سازند. با همه این تفصیل، دستگاه مالیاتی کشور ما حرفه حسابداری مستقل را کلاً کنار گذاشته است و از این ابزار بدیهی که در سرتاسر جهان در امر تشخیص مالیات استفاده می‌شود خود را بی‌بهره ساخته است.

### حرفه حسابداری مستقل

حرفه حسابداری مستقل بصورت متشکل ابزاری است که بطور طبیعی مورد استفاده دستگاه مالیات‌گیر قرار می‌گیرد. البته این تنها مورد استفاده این حرفه به عنوان یک مجتمع اقتصادی نیست - و نباید هم باشد - بلکه خدمات گسترده دیگری نیز از آن انتظار می‌رود که در سایر جهات اقتصادی مورد نظر اجتماع و دولت می‌باشد، بطوری که شاید بتوان گفت قسمت عمده وقت حسابداران حرفه‌ای در آن زمینه‌ها به مصرف می‌رسد (مانند حسابرسی صورتهای مالی شرکتها، طراحی و تدوین روشهای مالی و حسابداری، خدمات مدیریت وغیره)، لیکن استفاده‌ای نیز که در مکانیسم تشخیص مالیات از وجود یک حرفه قوی، خودکفا و کارآمد می‌توان نمود بسیار قابل توجه است. مهمترین فایده‌ای که در گستره کلی مالیات‌گیری ممکن است از حرفه حسابداری مستقل انتظار داشت آن است که با رسیدگی به امور و مسائل مالیات

پسردازهای خوش حساب و مرتب، دستگاه مالیاتی را قادر سازد که وقت و انرژی و توانائیهای خود را صرف جنبه‌های بسیار عمده دیگر کار خود، مثلاً "پیگیری کسانی که از پرداخت مالیات فرار می‌کنند و شناخت منابع مالیاتی مخفی و عادلانه‌تر ساختن بار مالیاتی از طریق معافیت‌های حساب شده و مباحث دیگری از این قبیل بنماید. نقش حرفه حسابداری مستقل در این صورت در واقع ادامه همان نقشی است که قانونگذار حقا" از خود مودیان مالیاتی انتظار دارد و حتی می‌توان گفت که اشاعه خدمات حسابداری مستقل فقط عاملی است که کلیه مودیان مالیاتی را از لحاظ دسترسی به اطلاعات لازم مالیاتی و فهم و درک صحیح مقررات مربوطه و حتی استفاده به‌مورد و صحیح از معافیت‌هایی که قانونگذار برای مودیان مالیاتی تحت شرائط بخصوصی در نظر می‌گیرد، در یک سطح و یک‌رديف قرار دهد. بعضی‌ها به غلط فکر می‌کنند که دست‌اندرکار بودن حسابداران مستقل حرفه‌ای و یا کارشناسان حقوقی حرفه‌ای در امور مالیاتی، همانطور که در کشورهای خارجی مرسوم است، حتما" به‌ضرر دولت خواهد بود چرا که مودیان مالیاتی وقتی به چند و چون مقررات وارد شوند راهب‌هایی برای فرار از مالیات خواهند یافت و در نهایت مالیات‌های وصولی دولت کاهش خواهد یافت. البته بحث فرار از مالیات خود موضوع مفصلی است که بر حسب آنکه منظور از فرار "احتراز قانونی از مالیات" و یا "کتمان درآمد و حسابسازی" باشد، جنبه‌های مختلفی پیدا می‌کند که در اینجا مورد بحث نیست، ولی به‌هر حال نمی‌توان پذیرفت که بهترین راه مالیات‌گیری، توسل به چهل و بی اطلاعی جماعت مالیات

پرداز است، چه در آن صورت نه تنها عدالت مالیاتی مراعات نشده بلکه منتهای بی‌عدالتی مرسوم شده است چرا که عده‌ای به‌هر حال عالمند و یا به‌هر حال به‌علم مربوطه دسترسی دارند. برعکس باید گفت علم بیشتر، مودی مالیاتی را به‌دقیق بودن مکانیسم مالیاتی و بنابراین ضرورت پذیرفتن آن معتقد خواهد ساخت که در نهایت به‌نفع دولت می‌باشد. بعضی دیگر به‌غلط اعتقاد دارند که دست‌اندرکار بودن حسابداران و یا کارشناسان حقوقی حرفه‌ای در جریان تشخیص مالیات و یا فرجام‌خواهی از مالیات‌های مشخصه، بسا جنبه‌هایی از فساد به‌وجود بیاورد. این طرز تفکرها از جمله عواملی است که سبب شده است دستگاه مالیاتی کشور ما در گذشته آنچنان که باید و شاید در تقویت این حرفه‌ها نکوشیده باشد. لیکن همانطوری که در فوق گفته شد، در صورتی که دستگاه مالیاتی کارآمد باشد، وجود حرفه حسابداری مستقل می‌باید بطور جالب توجهی فایده به‌آن برساند نه ضرر، و چنانچه به‌علت نقطه ضعف‌های اجتماعی، موارد فساد نیز ملاحظه و یا حتی مورد ظن قرار گیرد، در صورت کارآمدی دستگاه مالیاتی و قدرت مجامع متشکل حرفه‌ای، به‌سهولت می‌توان با آن مقابله کرد، در صورتی که عدم استفاده از حرفه حسابداری مستقل به‌هیچ‌وجه آن نقطه ضعف‌های اجتماعی را که مسبب اصلی موارد فساد می‌باشند از میان بر نمی‌دارد. استفاده به‌سیار عمده دیگری که دستگاه مالیات‌گیری می‌تواند از حرفه حسابداری مستقل بنماید، نقل اطلاعات لازم به مودیان مالیاتی، از طریق تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات مالیاتی و آموزش مودیان و مسئولین امور آنهاست. متقابلا" چون حسابداران

جامعه و از جمله دستگاههای مربوطه دولتی خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

مالیات از دیرباز سهم عمده‌ای از فعالیت حسابداران مستقل را تشکیل داده است، بطوریکه در سطح جهانی حرفه حسابداری مستقل را ابزاری در مکانیسم تشخیص مالیات می‌شناسند. در این زمینه حسابداران مستقل حرفه‌ای نه فقط به عنوان حسابرس، بلکه به عنوان حسابدار، مشاور، عامل و دستیار تعقیب کننده پرونده‌های فرجام خواهی، تجزیه و تحلیل کننده مقررات و اطلاعات مالی، و بالاخره آموزش دهنده، طرف مراجعه قرار می‌گیرند. در همه این امور فایده نهائی عملاً "عائد دستگاههای دولتی مربوطه می‌شود. در کشور ما با کنار گذاشتن حرفه حسابداری مستقل و عدم استفاده کار آمد از آن، دستگاه مالیاتی خود را از ابزار عمده‌ای محروم ساخته و بدین ترتیب قادر نیست توجه خود را متوجه مسائلی از قبیل منابع ناشناخته مالیاتی و کسانی که از پرداخت مالیات عادلانه خود استنکاف می‌ورزند و عادلانه‌تر ساختن هرچه بیشتر بار مالیاتی بنماید، چرا که هم آن متوجه امور مودیان عادی می‌شود. حق آن است که دستگاه دولت بهر وسیله ممکن خواستار تقویت و خودکفائی حرفه حسابداری مستقل باشد، بطوریکه در نهایت بتواند همانطوری که در سایر کشورها مرسوم است با استفاده صحیح و کارآمد از خدمات آن، کادر فنی خود را برای پیگیری سایر اهداف مالیاتی آزاد سازد و ضمناً جامعه مالی را اعم از شرکتها و یا صاحبان مشاغل در موقعیتی قرار دهد که بتوانند از خدمات گسترده یک حرفه قوی، خودکفا، علمی و کارآمد استفاده کنند.

حرفه‌ای در جریان امور مودیان مالیاتی و مشکلات آنها واقع می‌گردند، بعداً می‌توانند از طریق مباحثات حرفه‌ای فنی و به وسیله مجامع حرفه‌ای خود، و بالاخره در رابطه با دستگاه مالیات گیر، این مسائل را مطرح کنند و راه حل‌هایی برای آنها ارائه نمایند، که نهایتاً موجب بهبود مقررات قانونی و یا روشهای عملی مربوطه در آینده می‌گردد. علاوه در جریان کار حسابداران مستقل، افراد متعددی کارآموزی می‌بینند و مراحل مختلف آموزش علمی و عملی حرفه حسابداری و دانشهای مختلف مربوطه از قبیل حسابداری صنعتی، حسابداری مدیریت، حسابرسی، تجزیه و تحلیل روشها، مدیریت مالی و غیره و غیره را فرا می‌گیرند که مجموعاً در زمانهای بعد در شرکتها و دستگاههای دولتی و نیمه دولتی به کار گرفته خواهد شد و نهایتاً دستگاه مالیات گیر قسمت عمده بهره آن را از طریق حسابهای بهتر و روشن تری که از طرف مودیان مالیاتی ارائه خواهد گردید، به دست خواهد آورد.

تقویت حرفه حسابداری مستقل و گسترش دامنه خدمات آن سبب می‌شود که دستگاه دولت و بخصوص سازمان تشخیص مالیات بتواند، به عنوان مصرف کننده نهائی ثمرات کار حرفه، در هزینه‌های خود بطور قابل توجهی صرفه جوئی کند، ضمن آنکه کارآئی بیشتری را از جامعه مالی خواستار گردیده و در اعتلای استانداردهای مالی و حسابداری سهیم باشد، در حالیکه عدم استفاده صحیح از منابع فنی حسابداری و عدم ایجاد انگیزه جهت اعتلای هرچه بیشتر حرفه و پیشبرد علوم و فنون مربوطه، نهایتاً و بخصوص در بلندمدت، باعث ایجاد تنگناهای فنی و مدیریت مالیاتی در سطح